

## «تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ابیوردی»

دکتر منوچهر اکبری

قبل از آنکه به ضرورت تحقیق یک بار به طور کامل دیوان انوردی ابیوردی (به خصوص بخش قصاید) را مرور کرده باشم با دیدی دیگر دربارهٔ انوری قضاوت می‌کردم. او را مثل اکثر کسانی که در قضاوت و داوری تعجیل روا می‌دارند شاعری لفاظ و متملق و در مواردی هم بیگانه با فرهنگ و معارف اسلام می‌پنداشتم و مثل بسیاری برایم این پرسش مطرح بود که، در این روزگار با این اوضاع چه ضرورتی دارد، با وجود این همه شاعر عارف و آثار متعدد عرفانی و اندرزی و اخلاقی، باز با خواندن اشعار انوری، عمر عزیز را بگذارنیم؟ آیا انوری آنقدر اعتبار و توان و مایهٔ شاعری دارد که یکبار اشعارش را بخوانیم؟ البته این نظر شاید از آنجا حاصل آمده بود که در بدو امر فقط فهرست موضوعهای اشعار را از نظر گذراندم و در این مرور سریع بود که یکپارچگی سروده‌ها در مدح و ستایش برایم نوعی زدگی و تنفر ایجاد کرد و دریچهٔ داوریم را محدود کرد تا آنجا که چند روزی در بی میلی و تردید برای انجام این تحقیق بودم. در این گیرودار و شک بودم که ناگهان جرقه‌ای در ذهنم زده شد و مقایسه‌ای را برایم پیش کشید و آن اینکه باید فردوسی و سعدی را با انوری تناسب و سنخیتی باشد که این سه شاعر را در ابیات زیر کنار هم نشانده‌اند:

در شعر سه تن پیمبرانند  
 قولی است که جملگی برآندند<sup>(۱)</sup>  
 هر چند که لائبی بعدی این  
 فردوسی و انوری و سعدی  
 این دو بیت در تذکره دولتشاه چنین آمده است:

در شعر سه تن پیمبرانند  
 هر چند که لائبی بعدی<sup>(۲)</sup>  
 اوصاف و قصیده و غزل را  
 فردوسی و انوری و سعدی

پس از تأملی چند پیرامون ابیات فوق، فردوسی را در حد شناخت و مطالعه‌ام بازآفرینی کردم و اقرار کردم که حکیم طوس، زبان فارسی و عجم را با صرف سی سال<sup>(۳)</sup> از عمر خویش زنده کرد و به راستی از نظم کاخ چنان بلندی را برافراخت که نه تنها از گزند حوادث و گذر ایام و تطور زمان و تحول زبان سالم مانده است، بلکه ویرانی را در آن بنای مستحکم راهی نیست و برای همیشه این کاخ را بیمه کرده است. فردوسی را از جهت صور خیال و استادی‌اش در خلق بزرگترین اثر حماسی جهان مرور کردم و نقش اساس این حکیم وارسته را در احیاء فرهنگ ایران و جاودانگی بخشیدن فرهنگ ایران و تصویرسازی در نقاشی صحنه‌های ماندگار به روشنی مشاهده کردم. فردوسی بی‌تردید با قدرت خارق‌العاده‌ای که در وصف به خصوص در قلمرو ادبیات حماسی با بیان دقیق و باریک بینانه تاریخ ادبیات پهلوانی و رزمی، آن هم با خمیر مایه‌ای که از افواه روزگار و از سینه پیران زمان گرفته با جادوی کلام و قدرت شاعرانه‌اش توانست چتر بلندی را بر سر ادبیات و آثار ارزشمند این مرز و بوم بگشاید. اثر فردوسی اگر جزء آثار بزرگ جهان قرار می‌گیرد، هم از این جهت است که توانسته است اقوال مختلف را به رشته مرصع شعر بکشد، آن هم تا این حد روان، زلال، بی‌پیرایه و بدون تکلف، شخصیت سازی این حکیم بعد از صد سال تمامی هنرمندان را به اعجاب واداشته است و رستم انسان کامل شاهنامه را چنان قوی و بجا مطرح کرده است که بعدها مولوی او را کنار یکی از انسانهای کامل و الهی عالم حضرت علی (ع) به عنوان همراهی موافق و

رفیقی متعدد نشانده است و در اعتراض و ملال از هم‌رهان سست عناصر او را آرزو می‌کند.

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستام آرزوست (۴)  
سعدی را مرور کردم، شیخ ادیب و معلم خطیب و مصلح بلیغ، با آنهمه قدرت و کف موسویش در شعر و خطبه و داستان بردازی. سعدی را از کرسی استاد نظامیه بغداد تا به کارگل و داشتنش در شهر حلب، شاعری جهانگرد و جهانگردی جهان‌دیده و روشن ضمیر. در نگاه دیگر شیخی را دیدم که از معارف عرفانی در حد خویش توشه برگرفته، خطیبی توانا که بر منبر اخلاق و حکمت بدون کوچکترین لکنت چنان گرم سخن می‌راند و محضر اخلاق می‌گشاید و اصول رادی و اخلاق درویشی و رسم جوانمردی را بیان می‌کند که هیچ شنونده‌ای را گرد ملال و خستگی بر روی و ابروی و غبار کسالت بر جان نمی‌نشیند. هر لحظه از باغ کلام و شاعری و سخنوریش بری تازه می‌رسد و بهاری با طراوت شکوفه افشانی می‌کند. سعدی را در بوستان می‌نگرم که یکپارچه اخلاق و استادی جامعه‌شناس و طبیعی روانشناس و حکیمی متخلق است. در گلستان هم در هر بایی بکمال سخن می‌راند و هر دفتر و فصل را در اوج فصاحت و بلاغت باز کرده و می‌بندد، دژ معارف بلند اسلام و قرآن غوطه‌ور است. سعدی را در غزلیات می‌نگرم که یکپارچه شور و عشق است و مستی و شادابی و جوانی. سعدی را در دیباچه می‌نگرم که با استادی تمام برای ورود به گلستان خیالی و شاعری دیباچه‌ای چنان پر نقش و نگار را آفریده است و بساطی بدان حد زیبا و مناسب گسترده است، در عین حال چنان در بیچه‌ای به روی توحید باری گشوده است که از هر بیننده به یگانگی حضرت حق سبحانه و تعالی در نگاه نخستین اعتراف و اقرار می‌گیرد و او را عذرآورنده به درگاه خدا معرفی می‌کند.

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد (۶)

باید اعتراف کرد که جهان بینی سعدی را می‌توان در بیت زیر بخوبی شناخت  
آنجا که گوید:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفترست معرفت کردگار (۷)  
یا در مطلع این غزلی توحیدی و عارفانه چنین داد سخن می‌دهد:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست (۸)

اما انوری، آیا می‌شد قبل از این که سروری به اشعارش داشته باشم بتوانم بسادگی به فلسفه و علت سرودن این ابیات پی ببرم و یا لااقل بتوانم به نحوی علت این همنشینی را برای خود توجیه کنم؟ بی تردید خیر. بدین لحاظ تصمیم گرفتم تمام قصاید انوری را از نخست تا پایان بخوانم، حتی اگر غرق در تملق و چاپلوسی باشد. برایم زیاد مهم نبود که مطلع قصاید یا عناوین آنها چیست و آنها را خطاب به چه کسانی سروده است، حتی سعی کردم شباهت شخصیت انوری را با عنصری که خوان و بساط خوان را از زر ساخته بود فراموش کنم و او را بدون در نظر گرفتن این محورها و تلقیها مرور کنم. به یاد دارم که هر چند در این بازخوانی پیش می‌رفتم برای خواندن باقیمانده اشعار تحریض و تشویق می‌شدم، گویا تحت تأثیر کنجکاوی خاصی قرار گرفته بودم تا آنجا که در قصیده‌های آخرین گویا در اندرون من کسی بر کرسی داوری نشسته بود و می‌گفت: دیدی قضاوت تو مثل قضاوت بسیاری افراد ظاهری بود و عجولانه! آن قاضی کسی جز وجدان من نبود که در طول مدت مطالعه مرا همراهی می‌کرد و روی نقاط قوت شاعری انوری دست می‌گذاشت. آنچه در نخستین مرور برایم جلب توجه می‌کرد تلمیحات مختلفی بود که انوری در تعبیرها و توصیفها و تشبیه‌های شاعرانه خود بکار برده بود و توان دستاوی او در خلق و آفرینش آنهمه صور خیال و تسلط و تبخرش را در این که بتواند رها از مشکلات تنگنای قافیه در وصف یک فرد که نسبت به او اندک توجهی داشته است یا او را صله داده است، به اثبات برساند، بدون در نظر گرفتن شخصیت

انوری و یا شخصیت شاهان و افرادی که انوری در مدحشان شعر سروده است. این خود میزهای است دیگر که حدود ۸۰۰ سال پیش شاعری برخوردار از این قریحه باشد. بهتر است دامن سخن را فرا جمع آورم. غرض از این مقدمه نه معرفی فردوسی است نه شناخت سعدی و نه حتی نقد و تحلیل شخصیت و شعر انوری و یا ترسیم نمودار سبکی و مرتبی و ویژگیهای شاعری او نه حتی مقایسه همه جانبه این پیامبران شعر با یکدیگر است. یادآوری این نکته را ضروری می دانم که تلمیح در دیوان انوری به طور کلی بسیار جامع و گسترده تر از این خواهد بود. من از میان تلمیحهای گونه گون در دیوان انوری، تلمیحهای قرآنی را انتخاب کردم، در فرصتهای بعداگر خداوند سلامت و توفیق نصیب کند به استخراج تلمیحا در سایر قالبهای شعری او خواهم پرداخت. از آن جمله تلمیحهای تاریخی، داستانی، حماسی و ... که هر کدام مقاله ای دیگر را در برخواهد گرفت.

### چند یادآوری

- ۱- در استخراج تلمیحا و شواهد، سعی شده است در حد امکان از تنوع بیشتر استفاده و از تکرار اشعار خودداری شود.
- ۲- در ذکر آیه های قرآن سعی بر آن است که قسمتی از آیه را که به تلمیح مربوط است به عنوان شاهد آوریم.
- ۳- عناوین اصلی و مورد نظر را با خط درشت تر نوشته ایم تا برای سهولت ارجاع، گامی هر چند کوتاه برداشته باشیم.
- ۴- مرجع اصلی معانی آیات مورد نظر را ترجمه تفسیر کبیرالمیزان، قراردادیم.

## آتش، ابراهیم:

تیغشان گر به ضیافت چو خلیل الله نیست دام و دد را چه کند روز و غا مهمانی  
(قصیده ۱۹۴)

بمان ز آتش غوغای حادثات مصون چنان کز آتش نمرود بود ابراهیم  
(قصیده ۱۳۸)

باد تأثیر حوادث به اضافت با تو آب دریا و کلیم و آتش نمرود و خلیل  
(قصیده ۱۸)

به رضای خلیل ابراهیم که به تسلیم در جهان سحرست  
(قصیده ۲۷)

تعبیر خلیل که از لقب‌های حضرت ابراهیم است از آیه زیر مأخوذ است:  
وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ  
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا... (سوره نساء آیه ۱۲۵)

ترجمه: دین کدام شخص بهتر از آن است که رو به خدا کند و نیکوکار باشد و از ملت  
ابراهیم پیروی کند و رو از کفر برگرداند؟ که خدا ابراهیم را دوست خود گرفته است. (۹)  
ابیاتی که در آنها به آتش نمرود اشاره شده است به آیه زیر تلمیح دارد.

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (۶۸) قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى  
إِبْرَاهِيمَ (۶۹). آیه‌های (۶۸ و ۶۹) سوره انبیاء

برگردان فارسی: گفتند: اگر اهل عمل هستید باید وی را بسوزانید و خدایتان را یاری کنید  
(۶۸) گفتیم: ای آتش بر ابراهیم خنک و سالم باش (۱۰) (۶۹).

## اخسثوا:

رزم ایشان چو حجیم است که در حفره او اخسثواخوانان شمشیر کند یزدانی

کلمه (اخسثوا) به معنی دور شوید، بروید، از آیه شماره ۱۰۸، سوره مؤمنون مأخوذ است.

قَالَ اخْسِثُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ (۱۰۸)

برگردان فارسی: باز به آنان خطاب سخت شود. ای سگان به دوزخ شوید و با من لب از سخن فرو بندید. (۱۱)

### اعتصام بحبل الله:

خود صلاح اهل عالم نیست اندر شرع و رسم اعتصام الابهبل طاعتت بعد از صلوات (قصیده ۱۶)

گرچه نگوید که اعتصام جهان را از ملکان کیست آنکه حبل متین است (قصیده ۳۶)

در دین چو اعتصام بحبل متین کنند آن به که مطلع سخن از رکن دین کنند (قصیده ۶۴)

حبل المتین ملک دو تا کرد روزگار اقبال رابه وعده وفا کرد روزگار (قصیده ۷۲)

ملک را حبل المتین جز دامن جاهت نبود مع علوم لاجرم تنبیهش افتاد و بدو کرد اعتصام (قصیده ۱۳۵)

در اشعار فوق کلمه «حبل» کلمه‌ای است قرآنی که بارها در قرآن به کار رفته است، در تمامی موارد (حبل) با اعتصام همراه است. تلمیحی که در این اشعار به کار رفته است مربوط به قسمت اول آیه ۱۰۳/ از سوره آل عمران است.

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.... (سوره آل عمران آیه ۱۰۳/)

بوگردان فارسی: همه به رشته الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید، نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آن دم که دشمن بودید و خدامیان دل‌هایتان پیوند داد و به موهبت ادبا هم برادر شدید... (۱۲)

### أمّ الكتاب :

نیست در علمم که جز تو کس خداوندم بود هست بر علمم گوا من عندهام الكتاب  
(قصیده ۱۲)

تعبیر (أمّ الكتاب) در آیه ۳۹/ از سوره رعد چنین آمده است.

يَمْجُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ وَيُنْبِتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ. (آیه ۳۹، سوره رعد)

بوگردان فارسی: خدا هر چه خواهد محو یا اثبات می‌کند، و اصل همه کتابها نزد خداست. (۱۳)

### امر قد قدير :

قوام دولت ما را چو امرها قد قضي گشتی دوام محنت احداث امر قد قدير بادا

(قصیده ۴)

تعبیر (امر قد قدير)، تلمیحی است مأخوذ از آیه شماره ۱۲/ از سوره قمر.

وَ فَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ (سوره قمر آیه ۱۲)

بوگردان فارسی: و زمین را به صورت چشمه‌هایی جوشان بشکافتیم، این دو آب به منظور اجرای فرمانی که رانده بودیم به هم برخوردند. (۱۴)

### امرهم شورى :

تبارک الله معیار رای عالی تو چو واجبست مقادیر امر شورى را

(قصیده ۱۱)



«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ایبوردی»

«امر شوری» تعبیری است قرآنی که از آیه ۳۸ از سوره شوری گرفته شده است.  
وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
يُنْفِقُونَ. (سوره شوری آیه ۳۸)

برگردان فارسی: و کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت نموده، و نماز به پا  
می‌دارند، و امورشان در بینشان به مشورت نهاده می‌شود و از آنچه روزیشان کرده‌ایم  
انفاق می‌کنند. (۱۵) (سوره شوری آیه ۳۸)

### أَنْظُرُونَ نَقْتَبِسُ مِنْ نُورِكُمْ:

انظرونا نتقتبس من نورکم کی گفت چرخ کافتاب از آفتاب همتت کرد اقتباس  
(قصیده ۱۰۲)

تعبیر (انظرونا نتقتبس من نورکم) تلمیح قرآنی مورد نظر است که از آیه ۱۳/ سوره حدید  
گرفته شده است.

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا ورائكم  
فَالْتَمَسُوا نَوْراً... (قسمتی از آیه ۱۳، سوره حدید)

برگردان فارسی: و در روزی است که مردان و زنان منافق به مردم با ایمان بگویند: کمی  
مهلت دهید تا برسیم، و از نور شما اقتباس کنیم، به ایشان گفته می‌شود به عقب برگردید،  
به زندگی دنیایان، و از آنجا نور بیاورید. (۱۶)

### اوتاد:

به اطراف گردون غبار سیاست در اوتاد عالم طناب خیامست

(قصیده ۴۱)

احتمالاً کلمه (اوتاد) تداعی کننده آیه زیر است:

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا. (سوره براءه آیه های ۶ و ۷)  
برگردان فارسی: آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟ و کوهها را عماد و نگهبان  
آن نساختمیم؟

### اولوالامر:

زآنکه امروز از اولوالامری و یزدان در نبی هم چنین گفته است و حق این است دیگر ترهات  
تعبیر اولوالامر از آیه / ۵۹ سوره نساء گرفته شده است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ  
إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا. (سوره  
نساء آیه ۵۹)

برگردان فارسی: ای آن کسانی که گرویده اید، فرمان ببرید خدا را و فرمان ببرید  
فرستاده اش را و صاحبان امر را از خودتان، پس اگر در چیزی نزاع داشتید و پس به خدا و  
رسول بازگردانید اگر ایمان آورده اید به خدا و به روز رستخیز این بهتر و نیکوتر تأویلی  
است (برای شما). (۱۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

### باغ ارم

آنجا که درآید به نوا بلبل بزم  
جز جغد زیارت نکند باغ ارم را  
کلمه « ارم » در آیه زیر در قرآن بکار رفته است.

ارم ذات العِمَادِ (سوره فجر آیه ۷)

برگردان فارسی: همان قوم ارم شهری که بناهای ستون دار داشتند. (۱۹)

### بشیر و نذیر:

کلکیست که درنظم جهان خاصه ممالک تا عدل و ستم هست بشیرست و نذیرست  
(قصیده ۳۰)

بس بود در معرض آرام و آشوب جهان کارداران نفاذت، هم بشیر و هم نذیر  
(قصیده ۹۶)

امیر عادل مودود احمد عصمی که عدل اوست به هر نیک و بد بشیر و نذیر  
(قصیده ۹۷)

همه نواحی کفرش مسخرست و مطیع همه حوالی عدلش مبشرست و نذیر  
(قصیده ۹۸)

تعبیرهای (بشیر و نذیر) بارها در قرآن به کار رفته است. برای نمونه به آیه ۱۹ از سوره مائده اشاره می‌شود که در آن دوبار هر دو کلمه بکار رفته است.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرِهِ مِنَ الرَّسُولِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ  
وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (سوره مائده آیه ۱۹)

برگردان فارسی: ای اهل کتاب فرستادهٔ مادر دوران فترت پیمبران به شما آمده برایتان روشن می‌کند که نگویید: نوید ده و بیم رسانی بما نیامد! همانا شما را نوید آور و بیم ده آمد و خدا بر هر چیز تواناست. (۲۰) جامع علوم انسانی

### بیت معمور:

یا رب این بارگاه دستورست یسانمودار بسیت معمورست  
(قصیده ۲۹)

تعبیر (بیت معمور) در سورهٔ طور در آیه ۴ به کار رفته است، با واو قسم در ابتدای همین آیه.

وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ (آیه ۴ سوره طور)

برگردان فارسی: و سوگند به خانه‌ای که (همواره) آباد است.

### تأویل:

قلمت راز چرخ را تأویل سخنت علم غیب را تفسیر  
(قصیده ۹۳)

سخنش علم غیب را تفسیر قلمش راز چرخ را تأویل  
(قصیده ۱۱۹)

اگر کاربرد هر کلمه قرآنی را در شعر تلمیح بدانیم در دو بیت فوق کاربرد (تأویل) شاهد مورد نظر است. نکته دیگر اینکه این دو بیت اگر چه در دو قصیده با شماره‌های مختلف بکار رفته‌اند اما گویا جای مصرع اول و دوم را عوض کرده باشند چون مجموعه واژگان دو بیت تقریباً یکی است. حتی وزن دو قصیده هم به لحاظ بحر عروضی یکسان است. این تعبیر (تأویل) بیش از ۷ بار در قرآن بکار رفته است. اگر چه ظاهر بیت به لحاظ تاریخی اشارتی به جریانهای تاریخی، قرآنی ندارد اما برای نمونه به قسمتی از آیه / ۱۰۰ از یوسف بسنده می‌شود. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

... يَا آتِ هَذَا تَأْوِيلٌ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلْنَا رَبِّي حَقًّا. (آیه ۱۰۰ سوره یوسف)

برگردان فارسی: ... گفت (یوسف) پدرجان: این تعبیر رؤیای پیشین من است که پروردگارم آن را محقق کرد ... (۲۳)

### تبارک الله:

تبارک الله از آن سیر آتش نعل که با رکاب تو خاکست و باغبانت هوا  
(قصیده ۷)

«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ایوردی»

تبارک الله از آن قادری که قدرت او دهان و دیده زعسبهر و فسق  
(قصیده ۱۰۷)

کریم ذات تو در طی صورت بشری تبارک الله گویی که در حمیتت جسیم  
(قصیده ۱۳۸)

در تعبیر (تبارک الله) اگر قصد شاعر اشاره آگاهانه به موارد خاص قرآنی هم  
نباشد، اما چون عین این تعبیر در قرآن بکار رفته است به عنوان نمونه‌های احتمالی  
تلمیح ابیات مذکور را یادآور شدیم. در سوره مؤمنون آیه ۱۴ چنین آمده است:

ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ ... ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

(قسمتی از آیه ۱۴ سوره مؤمنون)

بوگردان فارسی: آنگاه نطفه را علقه کردیم... پس از آن خلقتی دیگرش کردیم، پس  
آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است. (۲۴)

تسنیم:

بزرگوارا با آنکه آب گفته من ز لطف می‌ببرد آب کوثر و تسنیم  
(قصیده ۱۳۸)

(تسنیم) نام چشمه‌ای است در بهشت. این کلمه در آیه ۲۷ از سوره مطففین به کار  
رفته است.

و مِرْآجَةٌ مِنْ تَسْنِيمٍ (آیه ۲۷ سوره مطففین).

بوگردان فارسی: شرابی که از مزاجش جز مقریین نمی‌نوشند. (۲۵)

تنزیل:

سخنم شد چنانکه بنیوشد گوش جانم چو محکم تنزیل  
(قصیده ۱۱۹)

کلمه «تنزیل» در چندین سوره از قرآن خصوصاً در آیات نخستین سوره‌ها بکار رفته است. برای نمونه به دو سوره مورد اشاره می‌شود.

تنزیل الكتاب ، مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . (آیه ۱ سوره زمر)

تنزیل من الرحمن الرحيم (آیه ۲ سوره فصلت)

تنزیل من رب العالمين . (سوره‌های الاحقاف و الحاقه آیات ۸۰ و ۴۳)

برگردان فارسی آیه‌ها به ترتیب: این کتابی است که از ناحیه خدای عزیز حکیم نازل شده است.

این کتابی است که از ناحیه خدای رحمن رحیم نازل شده است. (۲۶)

بلکه نازل شده از ناحیه پروردگار عالم است. (۲۷)

### تورات بالحجاب:

داشت روشن روز عیشم آفتاب عون تر وزعنا آمد شبی حتی تورات بالحجاب  
(قصیده ۱۲)

تعبیر (حتی تورات بالحجاب) تلمیحی است قرآنی که از آیه ۳۲ از سوره «ص» گرفته شده است.

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ (سوره ص آیه ۳۲)  
برگردان فارسی: و از شدت علاقه به اسبان را بر یاد خدا ترجیح دادم تا اسبان از نظرم ناپدید شد.

### جراد منتشر:

اگر کشتی عز و جاه جز بار تو برگیرد همه الواح معقودش جراد منتشر بادا  
در مصرع دوم بیت مذکور تلمیحی قرآنی بکار رفته است و آن کاربرد تعبیر (جراد

منتشر) است که از آیه ۷ سوره قمر گرفته شده است.

خُسْمًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُتْتَشِرٌ (سوره قمر آیه ۷)

بوگردان فارسی: در حالی که از شدت شرمساری و خشوع دیدگان خود پایین انداخته از گورها درآیند، توگویی ملخ‌های متشرند. (سوره قمر آیه ۷).

### حسن الماب :

شکر یزدان را که گردون با تو حسن عهد کرد تا نتیجه حسن عهد او شد این حسن الماب  
(قصیده ۱۲)

(حسن الماب) به معنی بازگشت نیکوست. این تعبیر در آیه ۱۴ از سوره آل عمران بکار رفته است، برای جلوگیری از تطویل قسمت آخر آیه مذکور را که شاهد مورد نظر در آن است می‌آوریم:  
... ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. (قسمت آخر آیه ۱۴ سوره آل عمران)  
بوگردان فارسی: ... این کالای زندگی دنیاست و بازگشتگاه نیک نزد خدا است. (۳۰)

خلقتنی من نار، خلقتنه من طین: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

واهب روح از پی طفیل وجودش قسابل ارواح کرده قالب طین را  
(قصیده ۶)

بسته دست خلقتنی من نار باس او بر خلقتنه من طین  
(قصیده ۱۴۷)

آتش خاطط نموده قیام به جواب خلقتنه من طین  
(قصیده ۱۴۷)

در ایات مذکور، خلقتنی من نار (آفریدی مرا از آتش) و خلقتنه من طین

(آفریدی او را از گل) هر دو تلمیح‌های مورد نظرند که از آیه ۱۲/ سوره اعراف گرفته شده‌اند.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ لَا تُسْجِدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ .

(آیه ۱۲، سوره اعراف)

برگردان فارسی: گفت مانعت چه بود که وقتی به تو فرمان دادم سجده نکردی؟ گفت من از او بهترم، مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل خلق کرده‌ای. (۳۱)

داود:

حسب داود و لطف نعمت او که ترا در بهشت مستظر است

(قصیده ۲۷)

واژه (داود) بارها در قرآن بکار رفته است. برای نمونه قسمتی از آیه ۵۵ سوره

بنی اسرائیل را می‌آوریم.

... وَ لَقَدْ فَصَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّنَ عَلَى بَعْضٍ وَ آتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا (قسمتی از آیه ۵۵ سوره اسری)

برگردان فارسی: ... و ما بعضی پیامبران را بر بعضی دیگر برتری دادیم و به داود زیور دادیم. (۳۲)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ذوالجلال و اکرام:

صاحب آن ذوالجلالتین که هست بر از و ذوالجلال و الاکرام

(قصیده ۱۲۴)

(ذوالجلال و الاکرام) در آیه ۲۷ از سوره الرحمن بکار رفته است.

وَ يَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ . (آیه ۲۷ از سوره الرحمن)

برگردان فارسی: تنها آنچه خدایی است باقی می‌ماند، چون او دارای صفات جلال و



جمال است. (۳۳)

### روز حنین :

روز حنین، مقصود جنگی است که در ماه شوال سال هشتم بین رسول اکرم (ص) و مردم هوازن در محل حنین رخ داد و مردم تقیف و بعضی قبایل هم به هوازن پیوستند در آغاز این جنگ مسلمانان از بسیاری خود شادمان بودن و می‌پنداشتند که دشمن را مغلوب خواهند ساخت ولی شکست خوردند. مسلمین پس از این شکست رو به فرار گذاشتند سپس خداوند به حضرت رسول یاری کرد و آن حضرت استقامت ورزید و فرار نکرد بالاخره مسلمانان فاتح شدند. (۳۴)

در آیه ۲۵ از سوره توبه به جریان روز حنین اشاره شده است.

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ...

یوگودان فارسی: (اگر از یاد نبرده باشید) خدا در مواقع بسیاری شما را یاری کرد و مخصوصاً در روز جنگ حنین که بسیار بودنتان بشگفتان آورده بود... (۳۵)

(قسمتی از آیه ۲۵ سوره توبه)

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سد سکندر، یا جوج و ماجوج: پرتال جامع علوم انسانی

خواجه به تدبیر و رای سدی دیگر کشید      رخنه یا جوج بست سد سکندر شکست  
(قصیده ۳۸)

چشم بد دور از تو خود دورست کز بس باس تو      فتنه اکنون همچو یا جوج از پس سد می رود  
(قصیده ۶۶)

رود که از یا جوج بهتان رخنه هرگز کی فتند      خاصه در سدی که تأبیدش کند اسکندری  
(قصیده ۱۹۰)

سَدّ سکندر: سَدّی است که ذوالقرنین برابر یاجوج و ماجوج کشید. مأخذ اسلامی این داستان نخست قرآن، سپس احادیث و تفاسیر است. داستان ذوالقرنین و سَدّ سکندر در قرآن سوره کُهِف آیه ۸۳ تا ۹۶ به تفضیل بیان شده است. (۳۶)

و يَسْئَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ قُلْ سَأَتْلُو عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا. (آیه ۸۳ سوره کُهِف)

برگردان فارسی: تو را از ذوالقرنین پرسند، بگو: برای شما از او خبری خواهم خواند. (۳۷)

در همین سوره آیه ۹۴ به داستان یاجوج و ماجوج حنین اشاره شده است.

قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَ مَاْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ تَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ سَدًّا. (آیه ۹۴ سوره کُهِف)

برگردان فارسی: ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج در این سرزمین تباهاکارانند، آیا برای تو خراجی مقرر داریم که میان ما و آنها سدّی کنی (۳۸)

در شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ذیل داستان یاجوج و ماجوج و سدسکندر چنین آمده است:

« داستان این است که ذوالقرنین در سفر خود همی رفت تا به مشرق و بین السردین رسید و به حد مشرق دو کوه بلند بود و بر آنجا مردمانی بودند که به اطاعت ذوالقرنین درآمدند و بدو از قوم یاجوج و ماجوج شکایت کردند و گفتند که این مردمان هر چندگاه از پس این دو کوه و از میان این دره درآیند و ما را آسیب فراوان رسانند و از ذوالقرنین خواستند تا بر دهانه آن دره سدّی کشد تا یاجوج و ماجوج از آن نتوانند گذشت، پس ذوالقرنین بفرمود تا پاره‌های آهن بزرگ بیاوردند و بگردار خشت در میان دو کوه نهادند، سپس همچند آن روی بر روی آن بریختند و آتش بر آن بدمیدند تا آب شد و دیواری سخت پدید آمد که یاجوج و ماجوج از آن گذشتن نتوانستند و نیز بر رخنه کردن در آن توانا نگشتند (۳۹)

### سعی مشکور:

ابرا را رأفت از رعایت اوست سعی اوزان همیشه مشکورست  
(قصیده ۲۸)

تا که در جلوه عروس بهار سعی خورشید سعی مشکورست  
(قصیده ۲۹)

اگر جاه رفیعت خود نکردست بعمر خود جزاین یک سعی مشکور  
(قصیده ۸۸)

تعبیر (سعی مشکور) در آیه ۱۹ از سوره اسری چنین آمده است:

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

(آیه ۱۹ سوره اسری)

برگردان فارسی: و هر که آخرت را بخواهد و کوشش خود را همه برای رسیدن به آن قرار دهد آنان سعیشان قبول شده و صاحب اجرا خواهند بود. (۴۰)

### سلیمان (ملک سلیمان):

ای زبزدان تا ابد ملک سلیمان یافته هر چه جسته جزو نظیر از فصل بززدان یافته  
ای زرشک رونق بزم سلیمان را خدای از تصرف کرده هبالی پشیمان یافته  
(قصیده ۱۷۱)

ای ملک ترا عرصه عالم سر مویی از ملک تو تا ملک سلیمان سر مویی  
(قصیده ۲۰۴)

در ابیات مذکور (ملک سلیمان) کنایت از پادشاهی با رونق و بی نظیر اوست.

ملک سلیمان و (هب لی ملکا) تلمیحی است از آیات ۳۴ و ۳۵ از سوره ص  
وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَ أَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ (۳۴) قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي

لَا حِدَ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ (۳۵) سوره ص .

برگردان فارسی: ما سلیمان را هم بیازمودیم و (به جرم اینکه گفته بود امشب با زنانم هم بستر می شوم تا چند فرزند بیاورند و انشاءالله نگفت) جسد بی جان (فرزندش) را بر تختش افکندیم، پس بسوی ما متوجه شد (۳۴) و گفت پروردگار مرا بیاموز و به من سلطنتی بده که سزاوار احدی بعد از من نباشد البته تو بخشنده‌ای (۴۱)

### سلیمان و کافر شدن دیو:

هر که چون دیو سلیمان بر شما عاصی شود در سرای محنت دایماً مزدور باد (قصیده ۴۳)

تعبیر دیو سلیمان و عاصی شدن آن تلمیحی است به آیه ۱۰۲ از سوره بقره چون آیه طولانی است فقط به قسمتی از آغاز آیه که به جریان مورد نظر اشاره شده است بسنده می شود

وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّاطِئِينَ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرُوا سُلَيْمَانَ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا ... (ابتدای آیه ۸۰۲ از سوره بقره)

برگردان: و پیروی از مطالبی کردند که شیاطین در زمان سلیمان (ع) بر مردم می خواندند، سلیمان کافر نشد ولی شیاطین کافر شدند.... (۴۱)

در کتاب ارزشمند شرح لغات و مشکلات دیوان انوری پیرامون دیو سلیمان و انگشتری سلیمان چنین آمده است: (دیو سلیمان دیوی است که خاتم سلیمان بگرفت و برانگشت کرد و خود را سلیمان خواند و لشکر سلیمان جمله مطیع او شدند و سلمیان از پادشاهی بیفتاد و مزدور صیادان شد و چهل روز بدان کار بود تا تزویر دیو برملا شد و بترسید و انگشتر به دریا افکند و ماهی آن را ربود و سلیمان آن ماهی شکار کرد و شکم او بدرید و انگشتر را در شکم او یافت و برانگشت کرد و خدای را سپاس گفت و دوباره

ملک بدو بازگشت. (۴۲)

در بیت زیر به داستان مذکور تلمیحی به کار رفته است:

خاتم حجت در انگشت سلیمان سخن افترا کردن بدو درگیرد از دیو و پری  
(قصیده ۱۹۰)

سلیمان و مور:

تو سلیمان و این طایفه موران ضعیف همه از خانه برون و همه از دانه بری  
(قصیده ۱۸۹)

در بیت فوق تلمیحی قرآنی نهفته است که به آیه زیر بر می‌گردد:

حَتَّىٰ أَذْأَبُوا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ تَمَلَّةٌ يَا أَيُّهَا التَّمَلُّ اذْخُلُوا مَسَاكِينَكُمْ لَا يَخْطَمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ  
وَ جُنُودُهُ وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ. (آیه ۱۸ سوره نمل)

بوگردان فارسی: تا چون به وادی مورچه رسیدند مورچه‌ای گفت: ای مورچگان به  
مسکن‌های خویش درآید تا سلیمان و سپاهیان او به غفلت در همتان نشکنند. (۴۴)

شق القمر:

همان‌کند به عدو خشم تو که بامه چرخ به یک اشارت انگشت کرد پیغمبر  
(قصیده ۸۰)

اگر چه در بیت مذکور هیچ کلمه‌ای وجود ندارد که عین کلمه قرآنی باشد اما  
مفهوم بیت مذکور تلمیحی است از داستان (شق القمر) و آن چنان بود که کفار قریش  
پیغمبر را گفتند معجزات زمینی تو جادو است، اگر راست می‌گویی ماه را دو نیمه کن، ماه  
با اشارت انگشت رسول دو نیمه شد. آیه از سوره قمر به داستان فوق اشاره دارد:

إِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ انشَقَّ الْقَمَرُ (آیه ۱، سوره قمر)

بوگردان فارسی: قیامت بسیار نزدیک شد، و قرص ماه دو نیمه گشت. (۴۵)

## شهاب آسمانی:

ملک را کلک تو از دیوان دولت پاک کرد ملک گویا آسمانیست و کلک تو شهاب

(قصیده ۱۲)

(شهاب) و در آیه ۱۸ از سوره حجر بکار رفته است، مفهوم بیت فوق تلمیحی به

آیه‌های (۱۸-۱۶) از سوره حج است.

... وَ حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ (۱۷) إِلَّا مِنْ اسْتَرْقَى السَّمْعَ فَاتَّبَعَهُ شَهَابٌ مُبِينٌ (۱۸)

(آیه‌های ۱۷ و ۱۸ سوره حجر)

برگردان فارسی: و حفظش نمودیم از هر شیطانی رانده شده (۱۷) لکن آن شیطان که

برای استراق سمع نزدیک شود (تاگفتگوی ملائکه را درباره امور غیبی بشنود) شهاب  
مبین دنبالش می‌کند. (۴۶)

## صلوة، صیام، حج، جهاد:

هر چهار کلمه فوق بارها در قرآن به مناسبت‌هایی بکار رفته‌اند.

به صلوة و صیام و حج و جهاد کاصل اسلام از این چهار درست

(قصیده ۲۷)

ذیل تناسب و تملیح این چهار کلمه استاد دکتر شهیدی در کتاب شرح لغات و

مشکلات دیوان انوری به تفصیل سخن رانده است، با رعایت کامل امانت عین تحریرات

آن استاد مبرز را می‌آوریم:

استاد شهیدی چهار بیت زیر را آورده، و پس از آن به بیان مطالبی می‌پردازد.

به صلوة و زکوة و حج و جهاد کاصل اسلام از این چهار درست

حرمت کعبه و صفا و منی حق آن رکن کش لقب حجر است

حرمت روضه و قیامت و خلد حق حصنی که نام او سقرست

«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ایوردی»

به عزیزی حق نعمت حق که زیادت زقطره مسطرست  
اصل اسلام: درباره عبادتهایی که بنای اسلام بر آنهاست، روایات شیعه و سنی و  
نیز روایات سنی مختلف است. در روایتی چنین آمده است:

يُنْبِئُ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ خِصَالٍ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَقَامَ  
الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَحَجَّ الْبَيْتِ وَصَوْمَ رَمَضَانَ وَالْجِهَادَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَصَدَقَهُ مِنَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ  
(طبرانی، به نقل از كثر العمال ج (ص) ۲۴)

و در بعضی روایات چنین آمده است: «الاسلام اقام الصلوة و ايتاء الزكاه و حج  
البيت و صوم شهر رمضان و الاغتسال من الجنابة» بهر حال تا آنجا که تتبع کردم از (چهار)  
ذکری نرفته است. در روایات شیعه آمده است: «بنی الاسلام علی خمس: الصلوة و  
الزکاة و الصوم و الحج و الولاية و لم یناد بشی کما نودی بالولاية (اصول کافی ج ۱ ص  
۱۸ طبع اسلامیة) و شاید ذکر چهار برای این است که نماز و زکات و حج و جهاد از صوم  
و صدقه مهمتر است» (۴۷)

### صَلْصَال :

عنايتی بدو صلصال، اصل آدم تو از آن عنایت محضی و آدم از صلصال  
(قصیده ۱۱۱)

صلصای مأخوذ از آیه قرآن است، چهار بار در قرآن بکار رفته است. که به یک

مورد بسنده می شود:

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ (آیه ۱۴ سوره رحمن)

بزرگواران فارسی: انسان را از لایه خشکیده ای چون سفال آفرید. (۴۸)

### ظلم و جهول :

ظلم کرد ز جهل برتن خویشتن پدرم هم جهول بود ظلم  
در بیت فوق کلمات جهول و ظلم هر دو در قرآن در سوره احزاب آیه ۷۲ به کار  
رفته‌اند.

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا  
الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا. (آیه ۷۲ سوره احزاب)

برگردان فارسی: ما آن امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها، عرضه کردیم، از تحمل آن  
امتناع کردند، و ترسیدند و انسان آن را حمل کرد، چون انسان ستم پیشه و جاهل  
بود. (۴۹)

### عاد و صرصر:

آتش اعدای نوح کشتی طوفان نشانند کردن کفران عاد سیلی صرصر شکست  
(قصیده ۳۸)

« عاد و صرصر » در مصرع دوم بیت فوق مأخوذ از سوره الحاقه آیه ۶ است.

وَأَمَّا عَادٌ فَاهْتَكَمُوا بِرِيحِ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ. (آیه ۶ سوره حاقه)

برگردان فارسی: و اما قوم عاد بوسیله بادی بسیار سرد و تند و طغیان گرو ویران ساز به  
هلاکت رسیدند. (۵۰)

### عظام رمیم

ورنسیم عنایتش بسجهد روح یسابد از وعظام رمیم  
(قصیده ۱۳۷)

نسیم لطف تو با خاک اگر سخن گوید حیات و نطق پذیرد از وعظام رمیم  
(قصیده ۱۳۸)



«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ابیوردی»

ترکیب عظام رمیم تلمیحی است قرآنی که از آیه ۷۸ سوره یس گرفته شده است.  
وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ. (آیه ۷۸، یس)  
برگردان فارسی: برای ما مثلی زده ، و خلقت نخستین خود فراموش کرده می گوید: چه کسی این استخوانهای پوسیده را در عین اینکه پوسیده است زنده می کند. (۵۱)

### عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ:

ابجد نعمت تو حاصل زان دبیرستان شود کاو ستادش علم الانسان مالم يعلم است  
(قصیده ۳۳)

تعبیر «علم الانسان مالم يعلم» عین آیه ۵ از سوره العلق است.  
عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ: (آیه ۵ سوره علق)  
برگردان فارسی: آری انسان را تعلیم کرد، چیزهایی را که نمی دانست. (۵۲)

### عروة الوثقی:

دور زمان داند آنکه وقت تمسک عروة وثقی خدایگان زمین است  
(قصیده ۳۶)

تعبیر (عروة وثقی) دوبار در قرآن بکار رفته است. در قسمتی از آیه ۲۵۶ سوره بقره چنین آمده است:

... فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى...

«قسمتی از آیه ۲۵۶ سوره بقره»

برگردان فارسی: ... پس کسی که به طاغوت کفر ورزد و بخدا ایمان آورد در حقیقت به مطمئن ترین دستگیره چنگ زده است... (۵۳)

### عیس و دم عیسوی :

به کف موسی کلیم کریم    به دم عیسی که زنده گریست  
( قصیده ۲۷ )

قهرمان تو موسوی دستت    ترجمان تو عیسوی دم باد  
( قصیده ۷۴ )

به حق دم پاک عیسی مریم    به حق کف دست موسی عمران  
( قصیده ۱۴۰ )

در اشعار فوق تلمیحی که می توان یاد آور شد جریان دم جانبخش و روحبخش و شفا بخش حضرت عیسی است که در آیه ۱۱۰ از سوره مائده آمده است. چون در این آیه به طور کامل جریان حضرت عیسی اعم از سخن گفتنش در گهواره و نیز فرا گرفتن کتاب و حکمت و تورات و انجیل و نیز دمیدنش در مرغ گلین و شفا دادن آن حضرت مردگان را آمده است، تمام آیه را با برگردان فارسی آن می آوریم تا پاسخگوی بسیاری از تلمیحات باشد.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَيْكَ إِذْ ابْتَدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ  
ثُمَّ كَلِمَةٍ النَّاسِ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ  
مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِأَذْنِي وَتُبْرِى الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِأَذْنِي وَ  
إِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ .  
(سوره ۱۱۰ مائده)

برگردان فارسی: به یاد آر روزی را که خداوند به عیسی ابن مریم می گوید: یاد کن نعمتی را که بر تو و مادرت ارزانی داشتم زمانیکه من تو را به روح القدس تأیید کردم، و توانستی در عهد گهوارگی و بزرگی با مردم تکلم کنی و زمانیکه کتاب و حکمتت تعلیم کردم و تورات و انجیلت آموختم، زمانیکه مجسمه‌ای از گل بصورت مرغی می ساختی و در آن

می‌دمیدی و به اذن من طیر می‌شد و به پرواز درمی‌آمد و کور مادرزاد و بیمار برص را به اذن من شفا می‌دادی و مرده‌گان را به اذان من زنده و از گور بیرون می‌کردی. بیاد آر روزگاری را که من تو را از شر بنی اسرائیل حفظ کردم، همان بنی اسرائیل که وقتی برایشان معجزه و بینه می‌آوردی کفارشان می‌گفتند این نیست مگر سحری آشکار (۵۴) (آیه ۱۱۰ سوره مائده)

### عیسی و صلیب

اگر تـو وحید واجب نبودی صلیبش بهم در شکستی کلامت  
(قصیده ۴۱)

مناسبت‌ترین آیه‌ای که برای جریان به صلیب کشیدن حضرت عیسی می‌توان یاد آور شد آیه ۱۵۷ از سوره نساء است.

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ بْنِ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن سُبُّهُ لَهُمْ  
... (قسمتی از آیه ۱۵۷ از سوره نساء)

برگردان فارسی: و گفتند ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم در حالی که نه عیسی را کشتند و نه به دارش زدند ولی برایشان مشتبه شد. (۵۵)

پرتال جامع علوم انسانی

### عیسی و عروج به آسمان

عیسی اندر آسمان هم داند از خواهی بپرس تا ت گوید کاین سخن در صفوة الدین مریمست  
(قصیده ۳۳)

آنچه از قرآن کریم در مورد به آسمان رفتن حضرت عیسی می‌توان شاهد آورد آیه ۱۵۸ از سوره نساء است که پس از طرح جریان شبهه انگیز مصلوب شدن آن حضرت چنین می‌گوید.

بَلْ رَقَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزاً حَكِيمًا (آیه ۱۵۸ سوره نساء)

برگردان فارسی: بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا با عزت و حکیم است. (۵۶)  
بسیاری تلمیح‌های قرآنی از داستان حضرت عیسی را با ذکر شواهدی دیگر نشان می‌دهیم

نفسست وارث دعای مسیح      قلمت نایب عصای کلیم  
(قصیده ۱۳۷)

ملامت نفسست می‌برد دعای مسیح      غرامت قلمت می‌کشد عصای کلیم  
(قصیده ۱۳۸)

در شیر رایت تو باد هوای هیجا      روح الله است گویی در آستین مریم  
(قصیده ۱۳۱)

جایی که زلب حیات بخشی      عیسی بود از در گدایی  
(قصیده ۲۰۲)

عقل گفتا کلیم با پسر اوست      روح گفتا مسیح با پدر این  
(قصیده ۱۴۹)

در ازدهای رایت از باد حمله تو      روح الله است گویی در آستین مریم  
(قصیده ۱۳۰)

## غار و عنکبوت

بر در کس عنکبوت جور هرگز      کی تند تا عدل باشد یار غارت  
(قصیده ۱۹)

تعبیر یار غار مأخوذ از آیه ۴۰ سوره توبه است.

... إِذَا خَرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّانِي اتَّانِي إِذْهُمَا فِي الْغَارِ... (قسمتی از آیه ۴۰ سوره توبه)

برگردان فارسی: ... در آن ایامی که کفار بیرونش کردند و در حالی که او دومی از دو تن بود همان موقعی که در غار بودند... (۵۷)

ذیل همین قسمت از آیه مذکور در کتاب شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی به قلم استاد دکتر جعفر شهیدی چنین آمده است.

« بیان هجرت رسول اکرم است از مکه معظمه به مدینه طیه. و در این سفر ابوبکر بن ابی قحافه همراه او بود. رسول و ابوبکر برای ایمنی از گزند کافران که در پی ایشان بودند به غار ثور که در کوهی است به نزدیک مکه، و چون به غار رفتند عنکبوتی بر در آن غار پرده‌ای از تار تنید تا کافران ندانند که آنان در این غارند. یار غار سپس لقب ابوبکر گردید و بعدها مجازاً به معنی رفیق موافق بکار رفته است. (۵۸)

## غار کهف

خضم بدعهدت که کهف ملک را هشتم دراست گر کند خدمت همش جل باد وهم ساجور باد  
( قصیده ۴۲ )

واژه کهف نام یکی از سوره‌های قرآن است. این واژه ۶ بار در قرآن بکار رفته است و هر شش بار هم در سوره کهف است. از آن میان به یک مورد بعنوان شاهد بسنده می‌شود.

فَضَرْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ( آیه ۱۱ سوره کهف )  
برگردان فارسی: پس در آن غار سالهای معدود بخوابشان بردیم. (۵۹)

در بیت مذکور تلمیحی دیگر نیز بکار رفته است. و آن «هشتم کس» است که از سوره ۲۲ سوره کهف گرفته شده است.

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةً سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجُومًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَنَامَتْهُمْ كَلْبُهُمْ ... ( قسمتی از آیه ۲۲ سوره کهف )

برگردان فارسی: خواهند گفت: سه تن بودند چهارمیشان سگشان بود و گویند پنج تن بودند ششمیشان سگشان بوده اما بدون دلیل و در مثل رجم به غیب می‌کنند و گویند هفت تن بودند و هشتمیشان سگشان بوده ... (۶۰)

### فاستقم کما امرت

ای برادر سخنی راست بخواهم گفتن راستی بهتر تا فاستقم اندر هود دست (قصیده ۲۴)

تعبیر «فاستقم» مأخوذ از آیه ۱۱۲ سوره هود است.

فاستقم کَمَا أَمَرْتِ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْفُوا أَنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ.

برگردان فارسی: پایدار باش. چنانکه دستورت داده‌اند و هر که با تو سوی خدا آمده نیز، و سرکشی نکنید که او بینی اعمال شماست. (۶۱)

### فرعون و سحره او

از بهر دفع سحره فرعون جهل را کلکت عصای موسی عمران روزگار (قصیده ۷۴)

در شعر فوق تعبیر سحره فرعون تلمیح مورد نظر است. این تلمیح مأخوذ از آیه

۴۱ سوره اعراف و آیه ۱۱۳ سوره شعرا است.

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ.

برگردان فارسی: جادوگردان نزد فرعون آمدند و گفتند: اگر ما غالب شدیم آیا مزدی خواهیم داشت؟ (۶۲)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

بوگردان فارسی: پس جادوگران آمدند و به فرعون گفتند: اگر ما غالب آمدیم آیا مزدی خواهیم داشت؟

### قاب قوسین

قدرش ار بر سپهر تکیه زند قاب قوسین را دهد تزیین  
تلمیح مورد نظر در مصرع دوم بیت است. تعبیر (قاب قوسین) مأخوذ از آیه ۹  
سوره نجم است.

این آیه و آیه‌های قبل و بعد آن پیرامون معراج حضرت محمد (ص) است.

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

بوگردان فارسی: او رسول را آنقدر بالا برد که بیش از دو کمان و یا کمتر فاصله نماند.

### قارون

قارون کند اندر دو نفس تیغ جهادت یک طایفه میراث خورد مرثیه خوان را  
(قصیده ۵)

همچو قارون در زمین پنهان کنی بدخواه را گر به گردون بر شود همچون دعای مستجاب  
(قصیده ۱۱)

زهی جود از تو در قوت چو قارون زهی آز از تو در نعمت چو قارون  
(قصیده ۱۴۶)

کلمه (قارون) به داستان قارون و گنج اشاره دارد. این کلمه در قرآن چهار بار آمده است، از آن میان تنها به یک مورد بسنده می‌شود، و آن آیه ۷۶ از سوره قصص است.

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءَ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ.

بوگردان فارسی: بدرستی که قارون که از قوم موسی بود بر آنان طغیان کرد، ما بروی از

گنجینه‌ها آنقدر داده بودیم که تنها کلید آنها مردانی نیرومند را خسته می‌کرد، مردمش هر چه گفتند، اینقدر شادی مکن که خدا خوشحالیان را دوست نمی‌دارد. (۶۴)

### کرنا بنی آدم

غرض ذات تو بود از نه نگستی بسنی آدم به کرنا مگرم  
(قصیده ۱۲۸)

تعبیر (کرنا بنی آدم) را از آیه ۷۰ سوره بنی اسرائیل برگرفته است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى  
كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً

برگردان فارسی: و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم، و آن را بر برکه‌های آبی و صحرای سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری مخلوقات خود برتریشان دادیم، آن هم چه برتری (۶۵)

### کفی الله القتال

چون گره بر ابروی شهرت زدند *ششگانه علوم انسانی* استالعلمان گشتنا کفی الله القتال  
(قصیده ۱۱۴)

ترکیب (کفی الله القتال) به آیه ۲۵ از سوره احزاب اشاره دارد

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا.  
برگردان فارسی: و خدا آنان را که کافر شدند، بغیضشان برگردانید، به هیچ خیری نرسیدند، و خدا زحمت جنگ را هم از مؤمنان برداشت و خدا همواره توانا و عزیز بوده (۶۶)



## کوثر

یا بهشتت و حوض کوثر او جام زرین و آب انگورست  
(قصیده ۲۹)

رزق زمین بوس اگر خصم ببرد از درت زان چه ترا جام بخت بر لب کوثر شکست  
(قصیده ۳۸)

ورنسیم لطف تو برشعله دوزخ وزد دلجو از دوزخ آب زمزم و کوثر کشد  
(قصیده ۶۱)

تعبیر کوثر را از سوره کوثر برگرفته است.

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ

برگردان فارسی: محققاً ما به تو خیر کثیر (فاطمه علیهما السلام) دادیم. (۶۷)

## لا تذردیارا

نوح پیغمبری که بر اعدا قهرت اعجاز لاتذرد دارد  
تعبیر لاتذرد مأخوذ از آیه ۲۶ سوره نوح است.

وَقَالَ نُوحٌ لَا تَذَرْنِي عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ ذَيَّارًا

برگردان فارسی: و نوح عرض کرد پروردگارا (اینک که قوم از کفر و عناد دست نمی‌کشند) تو هم این کافران راهلاک کن و از آنها داری بر روی زمین یکی باقی مگذار.  
(۶۸)

## لامساس

و اینکه من خادم همی پردازم اکنون ساحری است سامری کو؟ تا بیابد گوشمال لامساس  
(قصیده ۱۰۲)

تعبیر لامساس در داستان سامری و موسی آمده است در قرآن در آیه ۹۷ از سوره طه چنین آمده است.

قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ ...

برگردان فارسی: گفت بمرد که نصیب تو در زندگی این است که مرتب بگویی دستم مزیند و ...

### مریم و روح الله

بغیرت از نفسش روح عیسی مریم بخجلت از قلمش چوب موسی عمران  
(قصیده ۱۳۰)

غیرت روح عیسی است این یک خجلت چوب موسی آن دگرست  
(قصیده ۲۷۵)

روح الله اگر چه بود عیسی توراحت روح و آن دل هم  
(قصیده ۱۳۳)

موجود شد از توجود و احسان چونانکه مسیح شد زمریم  
در اشعار فوق تلمیح مورد نظر به جریان باردار شدن مریم بدون تماس با مردی بر

می‌گردد که این امر در آیه ۱۷۱ از سوره نساء چنین آمده است

يا اهل الكتاب ... إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَكَلَّمْتَهُ أَلْفِيهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ...

برگردان فارسی: ای اهل کتاب ... همانا مسیح عیسی بن مریم رسول خدا و کلمه اوست که به مریم القاء کرد و روحی از طرف اوست پس به خدا و رسولان او ایمان آورید. (۷۰)

در آیه ۴۵ از سوره آل عمران نیز به بشارت دادن فرزندی به حضرت مریم اشاره داد.

### مسلمات، مؤمنات و ...

جز جمال‌الدین خطیب ری که برخواند از نبی      مسلمات مؤمنات قانتات و تائبات  
جز جمال‌الدین خطیب ری که برخواند از نبی      تائبات عابدات سائرات ثبیات  
در دو بیت مذکور کلمات: مسلمات، مؤمنات، قانتات، تائبات، عابدات، سائرات  
و ثبیات تعابیری قرآنی اند که در سوره تحریم آیه ۵ کفار هم بکار رفته‌اند.  
عَسَىٰ رَبُّهُ انْ طَلَّقَكَ ۖ اَنْ يُدَلِّهٖ اَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ ۗ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ  
سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَّ اَبْكَارًا.

برگردان فارسی: امید است پروردگار او اگر شما را طلاق دهد همسرانی بهتر از شما  
روزیش کند همسرانی بدل از شما که مسلمان باشند مؤمن و ملازم بندگی و خشوع و  
تائب و عابد و صائم که یابویه باشند و یابکر (۷)

### مشارق و مغارب

ممدوح ائمه و سلاطین      مشهور مشارق و مغارب  
(قصیده ۱۵)  
تعبیر مشارق و مغارب در قرآن به قرار زیر بکار رفته است. برای نمونه آیه ۴۰ از  
سوره معارج را می‌آوریم.  
فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ اِنَّا لَقَادِرُونَ  
برگردان فارسی: پس گو اینکه قسم لازم ندارد ولی پروردگار همه مشرقها و مغربها که ما  
قادریم.

### موازین قسط

بشکنند امتداد انعامش      بموازین قسط بر شاهین

تعبیر موازین قسط در قرآن در سوره انبیاء آیه ۴۷ بقرار زیر بکار رفته است.  
وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ  
أْتَيْنَاهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ  
بوگردان فارسی: روز رستاخیز ترازوهای درست و میزان نصب کنیم و کسی به هیچ وجه  
مستم نبیند و اگر هم وزن دانه خردلی باشد آن را به حساب بیاوریم که ما برای  
حسابگری کافی هستیم. (۷۳)

### موسی و طور

قصور عقل تصور کند جلالت تو اساس طور تحمل کند تجلی را

(قصیده ۱)

حلم او را تحمل جویدی رای او را تحمل طورست

(قصیده ۲۸)

بی تجلی چرا نباشد هیچ صحن او گرنه ثانی طورست

(قصیده ۲۹)

زهی دست وزارت از پیشو کسبمورنانی چنان کفرزای موسی پایه طور

(قصیده ۸۸)

من از وحشت دل سوی حضرت تو چو موسی ره طور سینا گرفته

(قصیده ۱۷۴)

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُنْزِلُ السَّمَاءَ الْوَهَّابَ  
الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِينِي فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعْقاً...  
بوگردان فارسی: و چون موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن کرد، گفت:  
پروردگارا خودت را به من بنما که ترا بنگرم، گفت: هرگز مرا نخواهی دید ولی به این کوه

«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ایوردی»

بنگر اگر به جای خویش برقرار ماند شاید مرا توانی دید و همین که پروردگارش بر آن  
کوه جلوه کرد آن را متلاشی نمود و موسی بیهوش بیفتاد و... (۷۴)

### موسی و عصا

به اعجاز عصا موسی عمران      به ایجاب دعا عیسی مریم  
(قصیده ۱۲۸)

آنکه در معرکه سحر بیان      قلمش همچو عصا شعبانیت  
(قصیده ۳۴)

غیرت روح عیسی است این یک      خجالت چوب موسی آن دگرست  
(قصیده ۲۷)

چالاکتر از عصای موسی      فرخ قلمت گه مارب  
(قصیده ۱۵۱)

داستان عصای موسی و شعبان (به صراحت) در سوره اعراف آیه ۱۰۶ آمده

است.

فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ      گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
برگردان فارسی: پس عصای خویش در بیفکند که دردم ازدهایی بزرگ شد  
پرتال جامع علوم انسانی

### موسی و تعبیر کلیم الله

مشتری را از مشرف دولت سرای طالعش      چون کلیم الله را خلوت سرای طور باد  
(قصیده ۴۶)

دستشان گرید بیضای کلیم الله نیست      چکند رمح درد همچو عصا ثعبانی  
(قصیده ۱۹۴)

عقل گفتا کلیم با پسر اوست روح گفتا مسیح با پسر این  
(قصیده ۱۴۹)

در ابیات فوق اشاره‌ای به آیه ۱۶۴ از سوره نساء شده است.  
وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَا هُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ تَقْضُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا  
یوگردان فارسی: و رسولانی که برای تو داستانشان را گفتیم و رسولانی که داستانشان را  
برای تو نگفتیم و خدا با موسی تکلم فرمود (۷۶)

### موسی و ید بیضاء

قهرمان موسوی دستت ترجمان تو عیسوی دم باد  
(قصیده ۷۴)

زان اثرها کز ستانت یار دارد روزگار یک نشان معجز از موسی عمران یافته  
(قصیده ۱۷۱)

به کف موسوی کلیم کریم به دم عیسی که زنده گریست  
(قصیده ۲۷)

بحق دم پاک عیسی مکریم بی‌سک‌انسان بی‌مطالع کشف دست موسی عمران  
(قصیده ۱۴۰)

در اشعار فوق تلمیح قرآنی مورد نظر داستان دیگری از زندگی حضرت موسی است. در این ابیات تلمیح مورد نظر (ید بیضا و دست موسوی) است اگر چه به عیسی مریم و دم عیسوی نیز اشاره شده است که بجای خود آنان را نیز مطرح خواهیم کرد. جریان ید بیضاء غیر از آیه ۱۰۶/ از سوره اعراف که در جریان عصا و موسی بدان اشاره رفت، در آیه ۳۲ از سوره قصص نیز بیان شده است. برای جلوگیری از تکرار بدین اشارت بسنده می‌شود. ید بیضاء مجازاً بمعنی کرامت و خرق عادت است.

پیرامون زندگی حضرت موسی سخن بسیار است. با استخراج ابیاتی چند پیرامون، عصای موسی، ید بیضا چوب موسی، عصای کلیم، چوب کلیم، بحث تلمیحات زندگی آن حضرت را بیابان می‌بریم.

رمحت از جنس معجز موسی مرکب از نوع رخس رستم باد  
(قصیده ۴۶)

عقل با رمح توفتوی می دهد اکنون که چوب شاید از ثعبان شود بی معجز پیغمبری  
(قصیده ۸۸)

نفست وارث عصای مسیح قلمت نایب عصای کلیم  
(قصیده ۱۳۷)

ملامت نفست می برد دعای مسیح غرامت قلمت می کشد عصای کلیم  
(قصیده ۱۳۸)

چون کلیم و مسیح کی باشد هر که چوب کلیم و خردارد  
(قصیده ۵۶)

زهی به تقویت دین نهاده صید انگشت مآثر ید بیضاست دست موسی را  
(قصیده ۱)

زبرهان جیب تو در معجزات سواد زمین دست بیضا گرفته  
(قصیده ۱۷۴)

### ناقه صالح

ناقه صالح عصای موسی و روح پدر هر سه را در بطن مادر دیده بیجان یافته  
(قصیده ۱۷۱)

در بیت فوق تعبیر (ناقه صالح) به آیه ۶۴ از سوره هود اشاره دارد.

يَا قَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ فَذُرُّوْهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

برگردان فارسی: ای قوم من، این (ناقه) خداست که برای شما نشانه‌ای است. پس بگذارید در زمین خدا به خوردن پردازد و به او بدی نرسانید که عذابی نزدیک شما را در خواهد گرفت. (۷۷)

در آیه ۶۲ از سوره هود و آیه ۱۳ و ۱۴ از سوره شمس نیز به داستان ناقه صالح اشاره رفته است.

### نفخ صور

نفخ صورست سریر قلمش نفخ صوری که نه در قرآنست

در تعبیر (نفخ صور) تلمیحی قرآنی به آیه ۹۹ از سوره کهف نهفته است

و تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَ نَفَخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

برگردان فارسی: در آن روز بگذاریمشان که چون موج در هم شوند و در صور دمیده شود و جمعشان کنیم جمع کامل (۷۸)

در دیوان اموری، پیرامون زندگی حضرت نوح نیز تلمیحهای متنوع و متعددی به

چشم می‌خورد، از میان آن همه شاهد به نمونه‌هایی درباره (دعای نوح، نوح و طوفان، نوح وجودی) اشاره‌ای گذرا خواهیم کرد.

### نوح (دعای نوح)

بدعایی که کرد نوح نجی که در آفاق از آن هنوز اثرست

(قصیده ۲۷)

تلمیح مورد نظر در بیت مذکور می‌تواند مرتبط با آیه ۷۵ از سوره صافات



باشد.

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلَنَعِمَ الْمُجِيبُوْنَ

برگردان فارسی: از آن جمله نوح ما را ندا کرد و چه پاسخگویی خوبی بودیم برای او (۷۹)

### نوح، طوفان، جودی

طوفان حوادث اگر آفاق بگیرد برشده اوباش که جودی نجاتست

(قصیده ۲۱)

حلم او را تحمل جودی رای او را تجلی طسورست

(قصیده ۲۸)

چون موج ستم اوج کند کشتی نوحست چون گرد بلانشو کند ابر مطیرست

(قصیده ۳۰)

آتش اعدای نوح شوکت طوفان نشانند گردن کفران عادیلی صرصر شکست

(قصیده ۳۸)

ایبانی که در آنها کلمه جودی بکار رفته است به آیه ۴ از سوره هود اشاره دارد.

وَقِيلَ يَا اَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ اَقْلَعِي وَغَبَضَ الْمَاءُ وَفُضِيَ الْاَمْرُ وَاَسْتَوَتْ عَلٰى

الْجُودٰى وَقِيلَ بَعْدَ اَللُّقُوْمِ الظَّالِمِيْنَ *جامع علوم انسانی*

برگردان فارسی: این سخن آمد که: ای زمین آب خود را فرو بر! و ای آسمان باز دار! و

آب به زمین فرو رفت و امر خدا به انجام رسید و کشتی برکوه جودی برآمد و گفته شد

ستمکار دور بادا. (۸۰)

در اشعار فوق تلمیحی دیگر به داستان نوح و طوفان نهفته است که اشاره قرآنی

آن به آیه ۱۴ از سوره عنکبوت برمی گردد.

### هیزم جهنم

بی رونقا که باشد بی باس تو سیاست بی هیزما که ماند بی تیغ تو جهنم  
(قصیده ۱۳۱)

تعبیر (هیزم جهنم) ترجمه‌ای است از این عبارت قرآنی (النار التي و قودها..) که در آیه ۲۴ از سوره بقره بقرار زیر آمده است.

فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَكِنْ تَفْعَلُوا فَأْتُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ  
برگردان فارسی: اگر این کار را نکردید، و البته هرگز نخواهید کرد، پس از آن آتشی که هیزم آن سنگها و مردم می‌باشند و برای کافران مهیا شده بترسید. (۸۱)

### هل من مزید

در بیع خدمت تو آمد که بعد از آتش بر من یزید فتنه بها کرد روزگار  
(قصیده ۷۲)

تعبیر (هل من مزید) صورت دیگری است از جهنم و آتش و اشاره این بیت به افزون طلبی آتش است که در جهنم به پا خواهد شد. از این مفهوم در آیه ۳۰ از سوره ق چنین یاد شده است.

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلأتِ وَ نَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ  
برگردان فارسی: روزی که به دوزخ می‌گوییم آیا پر شدی و می‌گوید آیا باز هم هست  
(۸۲)

### یوسف و چاه

یوسف نثی نه بیژن اگر نه بگفتمی اندر ازای مجلس شد بلخ چاه نیست  
(قصیده ۲۲)

«تلمیحات قرآنی در دیوان انوری ابیوردی»

وین طرفه تر که هست بر اعدات نیز تنگ      پس چاه یوسف است اگر چاه بیژنست  
(قصیده ۳۵)

درشان نیاز آیت احسان و ایادیت      چون پیرهن یوسف و چشم پدر آمد  
(قصیده ۶۲)

زرایش چاه یوسف بی اثر بود      وگر نه یوسفی کردی نه چاهی  
(قصیده ۲۰۱)

خوش باش که سیاره بر احرار نهدبند      یاد آر زیاره و از یوسف چاهی  
(قصیده ۲۰۰)

آری ز قدر شد نه ز بی قدری      یوسف زمیان دگران چاهی  
(قصیده ۱۹۸)

با کار من آن کرد قبول تو کزین پیش      با چشم پدر پیرهن یوسف چاهی  
(قصیده ۱۹۸)

در اشعار مذکور که نمونه‌هایی چند از اشعار بسیار دیگر است تلمیحاتی متعددی به کار رفته است. از آن جمله اند تلمیح به چاه بیژن، چاه یوسف، یعقوب و یوسف، بوی پیرهن یوسف و... از آنجا که در این مقال به تلمیحات قرآنی می‌پردازیم با یادآوری واژه‌های چاه و سیاره آیه‌ای را از قرآن کریم یادآور می‌شویم که به وجود تلمیح مورد نظر گواه خواهد بود.

«چاه یوسف چاهی است که برادران یوسف وی را در آن افکندند و کاروانیان او را یافتند و به مصر بردند و فروختند»

سیاره: کاروان. تعبیر سیاره در آیه مورد نظر آمده است که اشاره دارد به داستان کاروان که بر سر چاهی آمدند که یوسف در آن بود و کسی را فرستادند تا آب از چاه برکند و او دلو خود را به چاه افکند و یوسف را از چاه بیرون آوردند. (۸۴)

در آیه ۱۹ از سوره یوسف چنین آمده است.

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا عَلَاقٌ وَأَسْرُوه بِضَاعَةَ وَاللَّهُ  
عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

برگردان فارسی: و کاروانی پیامد و آبدار خویش بفرستاد او دلو خویش بینداخت و گفت:  
ای مژده این غلامی است و او را بضاعتی پنهان قرار دادند و خدا می دانست چه  
می کردند. (۸۵)

### یوم الدین

گرد شود عرق زمین ممتلی از هیبت تو سربرآرد ز شامش چو عرق یوم الدین  
(قصیده ۱۵۲)

تعبیر (یوم الدین) در بیت مذکور گویا از آیه ۴ از سوره فاتحه الکتاب مأخوذ  
است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

برگردان فارسی: مالک روز جزا (۸۶)

ژرفگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

یوم نحس مستمر

اگر گردون به یک ذره بگردد برخلاف تو همه دوران او ایام نحس مستمر بادا

تعبیر (ایام نحس مستمر) تلمیحی است قرآنی مأخوذ از آیه ۱۹ از سوره قمر

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ

برگردان فارسی: مابادی سخت طوفانی در روزی نحس مستمری بر آنان گسیل داشتیم.  
(۸۷)

## یونس و ماهی

جاه تو و اقطاع جهان یوسف و زندان ذات تو و تجویف فلک یونس و ماهی  
(قصیده ۲۰۰)

تا در کنف حفظ تو چون یونس بگذشتمی اندر شکم ماهی  
(قصیده ۱۹۹)

تلمیح مورد نظر در دو بیت فوق به داستان حضرت یونس و دردل ماهی رفتن آن  
حضرت به اذن خداست.

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَوَّ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ فَلَسَاهُمْ فُكَّانًا مِّنَ الْمُدْحَضِينَ  
فَأَلْتَمَمَهُ الْحَوْثُ وَهُوَ مَلِيمٌ. (آیه‌های ۱۳۹ تا ۱۴۲ سوره صافات)

بوگردان فارسی: و یونس هم از پیامبران بود، به یادش آور که به طرف یک کشتی  
پربگریخت، پس قرعه انداختند و او از مغلوبین شد، پس ماهی او را بلعید در حالی که  
خودش و یا مردم ملامتش می‌کردند. (۸۸)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

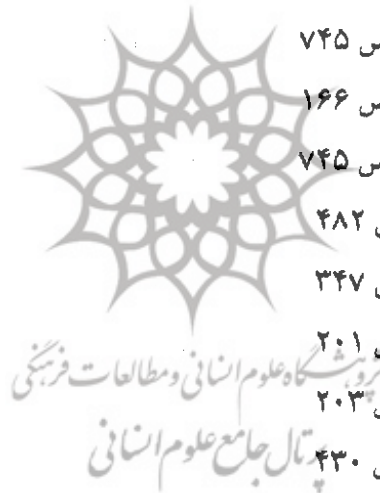
## کتابنامه

- ۱- دیوان انوری، جلد اول . صفحه ۹۹. شرح محمد تقی مدرس رضوی
- ۲- شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوری . اثر سید جعفر شهیدی  
صفحه ۸ (مقدمه)
- ۳- شاهنامه فردوسی
- ۴- گزیده غزلیات شمس
- ۵- کلیات سعدی شیرازی
- ۶- دیباجه گلستان سعدی
- ۷- غزلیات سعدی شیرازی
- ۸- غزلیات سعدی شیرازی
- ۹- ترجمه تفسیر کبیرالمیزان، ج ۵، ص ۱۱۳
- ۱۰- همان مرجع، ج ۱۴، ص ۴۴۵
- ۱۱- همان مرجع، ج ۱۵، ص ۹۵
- ۱۲- همان مرجع، ج ۳، ص ۵۹۹
- ۱۳- همان مرجع، ج ۱۱، ص ۵۶۹
- ۱۴- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۱۲۸
- ۱۵- همان مرجع، ج ۱۸، ص ۸۵
- ۱۶- همان مرجع، ج ۲۷، ص ۳۱۰
- ۱۷- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۴۱۲
- ۱۸- همان مرجع، ج ۴، ص ۵۶۱
- ۱۹- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۶۵۳

- ۲۰- همان مرجع، ج ۵، ص ۳۷۵
- ۲۱- شرح مشکلات دیوان انوری، ص ۱۸۰
- ۲۲- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۵
- ۲۳- همان مرجع، ج ۱۰، ص ۳۷۹
- ۲۴- همان مرجع، ج ۱۵، ص ۲۴
- ۲۵- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۵۶۷
- ۲۶- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۳۶۷
- ۲۷- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۱۱۵
- ۲۸- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۳۱۸
- ۲۹- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۱۰۴
- ۳۰- همان مرجع، ج ۳، ص ۱۶۶
- ۳۱- همان مرجع، ج ۸، ص ۲۴
- ۳۲- همان مرجع، ج ۱۳، ص ۱۷۶
- ۳۳- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۱۸۳
- ۳۴- همان مرجع، ج ۲، ص ۱۸۹
- ۳۵- همان مرجع، ج ۹، ص ۳۲۹
- ۳۶- واژه‌های قرآنی اثر محمد رضائی
- ۳۷- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۶۰۷
- ۳۸- همان مرجع، ج ۱۶، ص ۶۰۹
- ۳۹- شرح مشکلات دیوان انوری، ص ۱۵۵
- ۴۰- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۷۹
- ۴۱- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۳۱۸



- ۴۲- همان مرجع، ج ۱، ص ۳۱۴
- ۴۳- شرح لغات و مشکلات انوری. ص ۳۵۰
- ۴۴- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۵۳۶
- ۴۵- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۱۰۴
- ۴۶- همان مرجع، ج ۱۲، ص ۱۹۷
- ۴۷- شرح لغات و مشکلات انوری، ص، ۱۷۱-۱۷۰
- ۴۸- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۸۳
- ۴۹- همان مرجع، ج ۱۶، ص ۵۴۱
- ۵۰- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۷۴۵
- ۵۱- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۱۶۶
- ۵۲- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۷۴۵
- ۵۳- همان مرجع، ج ۲، ص ۴۸۲
- ۵۴- همان مرجع، ج ۶، ص ۳۴۷
- ۵۵- همان مرجع، ج ۵، ص ۲۰۱
- ۵۶- همان مرجع، ج ۵، ص ۲۰۳
- ۵۷- همان مرجع، ج ۹، ص ۴۳۰
- ۵۸- شرح لغات و مشکلات انوری. ص ۱۳۷
- ۵۹- ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۳، ص ۴۰۶
- ۶۰- همان مرجع، ج ۱۳، ص ۴۰۸
- ۶۱- همان مرجع، ج ۱۱، ص ۶۷
- ۶۲- همان مرجع، ج ۸، ص ۲۹۵
- ۶۳- همان مرجع، ج ۱۵، ص ۳۷۵





- ۶۴- همان مرجع، ج ۱۶، ص ۱۱۵
- ۶۵- همان مرجع، ج ۱۳، ص ۲۵۴
- ۶۶- همان مرجع، ج ۱۶، ص ۴۴۵
- ۶۷- همان مرجع، ج ۳۰، ص ۸۴۹
- ۶۸- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۱۸۰
- ۶۹- همان مرجع، ج ۱۶، ص ۳-۲۸۲
- ۷۰- همان مرجع، ج ۵، ص ۲۲۹
- ۷۱- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۲-۶۶۱
- ۷۲- همان مرجع، ج ۲۰، ص ۱۴۹
- ۷۳- همان مرجع، ج ۱۴، ص ۴۲۹
- ۷۴- همان مرجع، ج ۸، ص ۳۳۵-۳۳۰
- ۷۵- همان مرجع، ج ۸، ص ۲۹۵
- ۷۶- همان مرجع، ج ۵، ص ۲۰۲-۲۰۴
- ۷۷- همان مرجع، ج ۱۰، ص ۴۷۱-۴۷۰
- ۷۸- همان مرجع، ج ۱۳، ص ۶۰۸-۶۰۹
- ۷۹- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۲۲۷-۲۲۶
- ۸۰- همان مرجع، ج ۱۰، ص ۳۴۴-۳۴۵
- ۸۱- همان مرجع، ج ۱، ص ۶۹
- ۸۲- همان مرجع، ج ۱۸، ص ۵۴۲-۵۴۳
- ۸۳- شرح لغات و مشکلات دیوان انوری. ص ۲۱۴
- ۸۴- همان مرجع، ص ۵۲۶
- ۸۵- ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۱، ص ۱۳۷-۱۳۶

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

۸۶- همان مرجع، ج ۱، ص ۱۵

۸۷- همان مرجع، ج ۱۹، ص ۱۲۸-۱۲۹

۸۸- همان مرجع، ج ۱۷، ص ۲۵۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع و مآخذ

- ۱- المعجم المتفهرس لانفاظ القرآن الکریم . تدوین محمد فؤاد عبدالباقی . چا . مطبعه دار الکتب المصریه
- ۲- ترجمه تفسیر المیزان . دوره کامل ۲۰ جلدی . ناشر . بنیاد فکری و علمی علامه طباطبائی . چاپ اول
- ۳- ترجمه مفردات راغب اصفهانی . ج (۱-۲-۳) مترجم . سید غلامرضا خسروی حسینی انتشارات مرتضوی
- ۴- دیوان انوری به اهتمام محمد تقی مدرس رضوی انتشارات علمی و فرهنگی چا . سوم
- ۵- شاهنامه فردوسی شرکت سهامی کتابهای جیبی . چا . دوم ۱۳۵۴
- ۶- شرح گلستان سعدی ، تصحیح و شرح . محمد خزائلی . چا . پنجم . ناشر جاویدان
- ۷- شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی . سید جعفر شهیدی . انتشارات انجمن آثار ملی
- ۸- قاموس قرآن کریم . تألیف علی اکبر قرشی . چا دارالکتب الاسلامیه سال ۱۳۵۲
- ۹- قرآن کریم . ترجمه محی الدین الهی قمشه یی . مؤسسه چاپ انتشارات صالحی
- ۱۰- قرآن کریم . ترجمه محمد کاظم معزی . ناشر . انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا ، آمریکا و کانادا .
- ۱۱- لغت نامه دهخدا
- ۱۲- واژه های قرآنی . اثر محمد رضائی . انتشارات مفید . چا . اول ۱۳۶۰

امام حسین (ع):

إِيَّاكَ وَظُلْمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ  
جَدَّ وَعَزَّ

بپرهیز از ستم بر کسی که جز خداوند بلند مرتبه و  
قدرتمند یآوری ندارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی